



آیا توسل شرک است؟ معیار شرک و توحید چیست؟

در مسجد النبی بین محراب و قبر پیامبر(ص) وهابیان تابلویی نصب کرده اند که بر آن نوشته شده: ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی، پیامبری که چنین مقامی دارد و می تواند برای آلودگان به گناهان کبیره شفاعت کند، اگر او را بخوانیم و بخواهیم که در این دنیا واسطه شود، آیا کار غلط و شرک آمیزی است؟!

در مسجد النبی بین محراب و قبر پیامبر(ص) وهابیان تابلویی نصب کرده اند که بر آن نوشته شده: ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی، پیامبری که چنین مقامی دارد و می تواند برای آلودگان به گناهان کبیره شفاعت کند، اگر او را بخوانیم و بخواهیم که در این دنیا واسطه شود، آیا کار غلط و شرک آمیزی است؟!

به گزارش خبرگزاری مهر، روایاتی از پیامبر اکرم(ص) میزان توحید و شرک را معلوم می دارد و این روایات جواب افراطیون وهابی است، البته در واقع خود آنان مشرکند؛ زیرا برخلاف موازین اسلام، به همه مسلمانان تهمت می زنند، آن هم تهمت شرک و از آن زشت تر سلطه یهود و نصاری را پذیرفته اند، در حالیکه قرآن می فرماید: "من یتولهم منکم فانه منهم". رسول الله(ص) می فرماید: "من شهد ان لا اله الا الله واستقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و اکل ذبیحتنا فذلک المسلم، له ما للمسلم و علیه ما علی المسلم." و نیز: "أمرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله، فإذا شهدوا ان لا اله الا الله و أنّ محمدا رسول الله و استقبلوا قبلتنا و اكلوا ذبیحتنا و صلوا صلاتنا حرمت علینا دماؤهم و اموالهم الا بحقها". مضمون روشن این احادیث چیست؟ آیا می توان به هر بهانه ای کسی را کافر یا مشرک خواند؟

و اما اصل موضوع: آن صاحب فتوی گفت: رافضه مشرک اند زیرا: علی(ع) را همواره می خوانند چه در سختی و چه در راحتی (و دلیل شرک آنان شرک بودن درخواست از اولیاء الهی است).

به راستی آیا شیعه وقتی علی(ع) و یا سایر ائمه و الیای الهی را می خواند قائل به ربوبیت و تأثیر مستقل آنان در نظام هستی است و آیا (العیاذ بالله) کار شیعه مانند کار مشرکان جاهلی در بت پرستی است؛ و آیا عقیده شیعه مانند عقیده آنان در رب دانستن حقیقت آسمانی بت ها (مانند فرشتگان و...) و یا خود بت ها است.

جواب:

1- هیچ گاه شیعه چنین اعتقادی نداشته و ندارد، بلکه ما می گوئیم اولیای الهی مقربان درگاه خداوندند و از آنجا که ما خود لیاقت و آبروی لازم را برای ارتباط و درخواست نداریم، از آنها می خواهیم آنان وساطت کنند و از خدا بخواهند که مشکل ما را حل نماید و می دانیم که تا خداوند اراده نکند کاری از هیچ کس بر نمی آید.

آیا نخوانده اند که قرآن می فرماید: "و لو اثم اذ ظلموا انفسهم جاءوک فاستغفروا الله و استغفرلهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما". خداوند در قرآن می فرماید: ای رسول ما اگر آنان (مسلمانان) بر خود ظلم کردند و خدمت شما آمدند و از درگاه خداوند آمرزش طلبیدند و اگر پیامبر برای آنان آمرزش بطلبید، خداوند را تواب و توبه پذیر رحیم خواهند یافت.

از آیه به خوبی پیداست که مسلمانان از پیامبر خواسته اند برای آنان از خداوند آمرزش بطلبید و حضرت هم نه تنها رد نکرد، بلکه خداوند هم می فرماید: اگر پیامبر برای آنان آمرزش بطلبید خداوند آنان را می آمرزد. پس واسطه قرار دادن اولیاء مقرب الهی مانند پیامبر اکرم(ص) شرک نیست؛ بلکه ممدوح است. حضرت ابراهیم(ع) نیز برای عموی خود استغفار کرد و یعقوب به دنبال درخواست فرزندان فرمود: سوف استغفر لکم؛ حضرت یعقوب نفرمود درخواست شما شرک است و فقط از خدا بخواهید.

پس اساس واسطه قرار دادن باطل نیست، بلکه واسطه قرار دادن اشیای بی جان و بی ارزش و از طرفی قائل بودن به تأثیر مستقل آنها شرک است و از طرفی مشرکان بخشی از تدبیر عالم را به بت ها و یا رب النوع بالایی آنها نسبت می دادند و حال آنکه شیعه و یا هر مسلمان درخواست کننده از اولیاء، فقط می خواهد او آبروی خود را گرو بگذارد. اگر بگویند آنان نیز بت ها را شفیع می دانستند و شما هم همین طور؛ می گوئیم بت و یا افراد مورد پرستش کافران و مشرکان اشیاء و موجودات پست و بی ارزشی بودند که نه تنها مقرب نبودند، بلکه میغوض نیز بودند، آنان موجودات چوبی و سنگی یا افراد فاسدی بودند که لیاقت هیچ وساطتی را نداشتند و حال آنکه رسول الله(ص) و اولیای الهی آنقدر ارزش و اعتبار دارند که خداوند می فرماید: "ما آتاکم الرسول فخذوه و مانهاکم عنه فانتهوا".

و آنان را حاکم بر امورات مردم قرار می دهد و حتی بعضی خواست های پیامبر اسلام تشریع می شود و خداوند به عنوان حاکم

خود به مسلمانان امر می کند، واجب است انجام دهند (مانند دو رکعت آخر نمازهای چهاررکعتی و...)

نکته قابل دقت

وهابیت که خود را از اهل سنت می شمارد، چرا به سنت و آنچه از صحابه مورد احترام آنان نقل شده، واقعی نمی نهد و فقط اهانت به صحابه را (العیاذ بالله که شیعه به صحابه با تقوی و با ایمان اهانت کند) به شیعه نسبت داده و حربه دشمنی قرار می دهد. طبرانی از ابی امامه بن سهل حنیف و او از عمویش عثمان بن حنیف نقل می کند: مردی به علت حاجتی که داشت مرتباً نزد عثمان می رفت ولی عثمان هیچ توجهی به او نکرده و نیاز او را برآورده نمی کرد. آن مرد با ابن حنیف ملاقات کرد و از آن وضع به او شکایت کرد، عثمان بن حنیف به او گفت: وضو بگیر و به مسجد برو و دو رکعت نماز بخوان و بگو: اللهم انی اسألك و اتوجه الیک بنبینا محمد(ص) نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی ربی فتقضى لی حاجتی، فتذكر حاجتک و رح حتی اروح معک.

آن مرد رفت و آنچه را به او گفته بود انجام داد. سپس به در خانه عثمان بن عفان (خلیفه) رفت، دربان آمد و دست او را گرفت و به نزد عثمان برد و او را در کنار عثمان نشاند، عثمان گفت: چه حاجتی داری؟ او حاجت خود را گفت و عثمان برآورد. آنگاه به آن مرد گفت: تا این ساعت به یاد حاجت تو نیفتادم!!... آن مرد بیرون رفت و عثمان بن حنیف را ملاقات کرد و به او گفت: خدا تو را جزای خیر دهد، او هیچ توجهی به نیاز من نداشت و به من نگاه نمی کرد تا امروز تو با او سخن گفتی و وساطت کردی. ابن حنیف گفت: به خدا سوگند من با او سخنی نگفتم. بلکه من جریانی دیده بودم و برای تو نقل کردم و تو خود با مناجاتی که با رسول خدا کردی، کار خودت را درست کردی.

من شاهد بودم که گرفتاری خدمت رسول خدا(ص) رسید که بینایی خود را از دست داده بود. نبی اکرم(ص) به او فرمود: بینا و بابصیرت شو! او گفت: راهنمایی ندارم و برای من سخت است. حضرت به او فرمود: برو وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و به همین دعاها، دعا کن. ابن حنیف گفت: به خدا سوگند هنوز متفرق نشده بودیم (زیرا سخن بین ما به درازا کشیده بود) که همان مرد (کور) وارد شد و گویا هیچ مشکلی نداشت. این روایت و مانند آن نشان می دهد که صحابه از پیامبر درخواست می کردند و به ایشان متوسل می شدند.

2- شکی نیست که دعا و درخواست و توسل به اعتقاد اینکه آنها اله یا ربّ یا خالق و... هستند و مستقل در تأثیرند یا مالک شفاعت و آمرزش‌اند، شرک و کفر است. اما آیا این مطالب به ذهن هر مسلمانی که قرآن بخواند می آید: هل من خالق غیرالله ءاله مع الله، تعالی الله عما یشرکون، قل أغیرالله ابغی ربا... و قل لا املک لنفسی ضراً و لا نفعاً الا ما شاء الله

پس قاری قرآن و مسلمان می فهمد که علی(ع) و ائمه طاهرین نه رباند و نه خالق و نه مستقل در تصرف؛ ولی از آنجا که به خود قرآن نگاه می کند و می بیند که اگر کسی مرتضی باشد و مأذون از جانب پرورگار می تواند شفاعت کند، الهام می گیرد که برای حل مشکلات باید محبوبان درگاه الهی را واسطه قرار داد.

این مسلمان آگاه به معارف اسلامی درمی یابد که اگر پیامبر اسلام می تواند در قیامت مؤثر باشد و در نزد خداوند وساطت و شفاعت کند، اینجا که امور بسیار کوچکتر و آسانترند، خداوند شفاعت او را زودتر قبول می کند.

عجیب این که در مسجد النبی بین محراب و قبر پیامبر همین وهابیان تابلویی نصب کرده اند که همه مسلمانان زائر ببینند و بر آن نوشته شده: ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی، پیامبری که چنین مقامی دارد و می تواند برای آلودگان به گناهان کبیره شفاعت کند، اگر او را بخوانیم و بخواهیم که در این دنیا واسطه شود، آیا کار غلط و شرک آمیزی است؟!

اگر صحیح باشد که درخواست از دیگری شرک است چرا وقتی برادران یوسف از یوسف خواستند که فاوف لنا الکیل و تصدّق علینا خداوند نفرمود: هذا شرک اگر بگویند پیامبر زنده با مرده فرق دارد می گوییم: خداوند در مورد شهدا و کشته شدگان در راه خدا می فرماید: و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون

و در آیه‌ای دیگر و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون آیا پیامبر خدا کمتر از شهدای در راه خداست. آنان زنده و رسول خدا مرده است در حالی که می دانیم مرتبه شهدا در آیه کریمه سوم است:....فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین و الشهداء والصالحین....

پس رسول خدا زنده است و فقط حیات ظاهری را از دست داده است و او شاهد بر ماست و اینکه از او بخواهیم از مقام خود نزد خداوند استفاده کرده و برای ما کاری انجام دهد تا خداوند از ما راضی شده و مشکل ما را حل کند، هیچ شرکی نیست و هیچ مشکل عقلی و نقلی ندادند.*

*نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین فرج الله میرعرب، عضو هیئت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن